



مسئولین با تدبیر و تعهد به ترمیم پیامدها پیردازند

سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری دولت اصلاحات در حاشیه دیدار با مشاوران خود ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های بازماندگان فاجعه انفجار بندر شهید رجایی، گفت: «حادثه تلخی که منجر به جان باختن عده زیادی از هموطنان خدم و شهروندان گرامی و آسیب دیدن جسمی و روحی تعداد زیادی‌تر شد و خسارت بسیار سنگین به اقتصاد کشور و زندگی مردم شریف بندرعباس و استان هرمزگان و تمامی ایران وارد آورد. حادثه و ابعاد و آثار آن به واقع سهمگین است.» خاتمی در پایان افزود: «انتظار می‌رود که مسئولان محترم همه تدبیر و تعهد خود را برای شناخت زمینه‌ها و عوامل و اسباب آن (هر چه باشد) و برخورد جدی با آنها بکار گیرند. امید است با مهار سنجیده و ترمیم بهموقع پیامدهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن در عرصه‌ی عمل به ویژه در این مقطع حساس تنش‌زدایی و مذاکره برای دور کردن مخاطرات از ایران عزیز، کشور در آینده کمتر شاهد چنین فجایی باشد. ان شاءالله.»

نگاه‌نماینده

دستور طلایی یا زنگ خطر حکمرانی؟



سید فرید موسوی

نماینده مراغه در مجلس دوازدهم

در روزهای اخیر، بار دیگر شاهد تکرار الگوی نگران‌کننده در مدیریت کشور بودیم: پروژه‌ای متوقف نمی‌شود، مگر آن که رئیس‌جمهور شخصاً «دستور طلایی» توقف آن را صادر کند؛ رویدادی فرهنگی برگزار نمی‌شود، مگر با حمایت صریح شخص اول قوه مجریه. این «دستور طلایی» هر چند گاه امید می‌آفریند، اما زنگ خطری جدی برای حکمرانی قانون‌مدار به صدا درمی‌آورد.

پروژه پتروشیمی میانکاله نمونه‌ای آشکار از این بحران ساختاری است. این پروژه، که بر خلاف اصول توسعه پایدار و توصیه‌های کارشناسان محیط‌زیست بود، تا زمان صدور «دستور طلایی» متوقف نشد. سوال اینجاست که چرا؟ چون نهادهای مسئول -ازوزارتخانه‌وسازمان محیط زیست تا استانداری - اراده یا توان ایستادگی در برابر آن را نداشتند. قانون، بدون تأیید بالاترین مقام اجرایی، انگار قدرت بازدارندگی خود را از دست داده است. جشنواره «کوچه» در بوشهر نیز مثالی دیگر است. این رویداد فرهنگی، که می‌توانست فرصتی برای گفت‌وگوی اجتماعی و تقویت همبستگی ملی باشد، با موانع متعدد روبه‌رو شد تا این که «دستور طلایی» رئیس‌جمهور راه را برای برگزاری آن گشود. پرسش اینجاست: آیا برگزاری یک برنامه هنری باید به فرمان ویژه‌ای وابسته باشد؟ مگر دستگاه‌های قانونی برای همین منظور شکل نگرفته‌اند؟

وابستگی اجرای قانون یا توقف پروژه‌های غیرقانونی به مداخله مستقیم رئیس‌جمهور، نشانه‌ای است از ناتوانی ساختار اجرایی در برابر قدرت‌های غیرپاسخ‌گو و جریان‌هایی که خود را فراتر از قانون می‌دانند. اگر وزارت نیرو یا سازمان محیط زیست بدون فرمان از بالا نتوانند وظایف خود را انجام دهند، این یعنی ساختار اجرایی کشور به شدت تضعیف شده است. خطر اصلی اما عادی شدن این «دستور طلایی» است. وقتی مردم یادگیرند که برای هر اقدام قانونی باید چشم‌پوش‌راه فرمانی از بالا باشند، اعتماد به قانون و نهادهای رسمی کم‌رنگ می‌شود و راه برای «فردمحوری» و «استثناگرایی» هموار می‌گردد. در چنین شرایطی، قانون دیگر ستون حکمرانی نیست، بلکه اسیر مداخله‌های موردی می‌شود. برای برورفت از این وضعیت، باید ساختارها را تقویت کنیم، نه این که برای هر مشکلی منتظر «دستور طلایی» بنایم. از رئیس‌جمهور محترم در خواست می‌کنم دستور تشکیل کارگروهی ویژه برای شناسایی و ریشه‌یابی رشد قدرت‌های خارج از چرخه قانونی را صادر کنند تا به‌صورت پایدار، زمینه‌های نفوذ این جریان‌ها محدود شود و دستگاہ‌های رسمی بار دیگر توان اعمال قانون و پاسخ‌گویی را بازیابند. مردم ایران دولت خود را بر پایه حاکمیت قانون برگزیده‌اند، نه بر پایه انتظار فرمان‌های طلایی. اکنون زمان آن است که رئیس‌جمهور نقطه آغاز نهادینه‌شدن قانون‌مداری باشد، نه آخرین سنگر اجرایی آن.

با صدور دستور مستقیم رئیس‌جمهور، اجرای پرونده پتروشیمی میانکاله مخافت شد / عکس: ایرنا



اقتدار از دست رفته

علل و عوامل تقلیل قدرت مسئولان برای پیشبرد برنامه‌ها و اجرای تصمیمات

بازخوردهای مدنی و سیاسی را مغتنم دانسته و از فضای موجود برای پیشبرد اهداف خود سوءاستفاده خواهد کرد. قدرت ذی‌نفعان در به کرسی نشاندن خواسته‌های خود مسئله دیگری است که امکان اجرای قانون در موضوعی خاص را بی‌ثمر کرده و تا زمانی که مسئله به سطوح بالای حاکمیتی نرسد به آن توجه نخواهند کرد. در پژوهشی که حمیدرضا رحمانی دهکردی با موضوع «پیش‌درامدی بر آسیب‌شناسی تصمیم‌گیری در نهادهای حاکمیتی با تأکید بر دولت» انجام داده است، مهمترین آسیب‌های تصمیم‌گیری در دولت، فقدان شفافیت، نبود راستی‌آزمایی، بی‌اعتنایی و یا کم‌اعتنایی به بازخوردها و تلاش اندک برای اصلاح و تغییر قوانین بوده است. همین کلمات کلیدی کافی است تا به چرایی عدم توجه ذی‌نفعان پروژه‌ها و فرصتی که این فضا برای پیشبرد پروژه آنها به وجود می‌آورد پی برد. در نتیجه ضروری است که از مرحله آسیب‌شناسی پا را فراتر گذاشته و با ایجاد ساختارهای شفاف و نظام‌مند، نظام تصمیم‌گیری را به مسیر درست هر مجموعه مدیریتی بازگرداند.

مواردی هستند که تأثیرات زیادی در افزایش اعتماد جامعه به حاکمیت و دستگاه اجرایی دارد و تمرینش نبودن اجرای تصمیم هم مشروعیت و مقبولیت نهاد تصمیم‌گیر را زیر سوال می‌برد. در واقع مردم و حاکمیت دوروی فرایندی هستند که می‌توانند منجر به اثرگذاری یک تصمیم بشوند یا نشوند.

در سطح مدیریتی و حاکمیتی، یکی از دلایلی که تأثیر یک تصمیم مدیریتی در ایران را بی‌اثر کرده است بی‌توجهی به همه جوانب یک تصمیم، آسیب‌های احتمالی و از سوی دیگر مزایای آن برای جامعه است. از سوی دیگر عدم وجود شفافیت در ارائه اطلاعات و همچنین در پاسخگویی برای اتخاذ یک تصمیم درست دیگر موضوعاتی است که این شجاعت را به کسانی که در مقابل دولت برای پیشبرد یک هدف خاص قرار دارند می‌دهد تا بدون ترس از دامن گیر شدن قانون و یا تصمیم نهاد حاکمیتی پروژه مورد نظر خود را پیش ببرند.

در مقابل نیز فردی که رودرروی تصمیم دولتی ایستاده است فرصت بی‌توجهی به مسئله پاسخگویی و فقدان

**عدم وجود شفافیت
در ارائه اطلاعات و
پاسخگویی برای اتخاذ
یک تصمیم درست
این شجاعت را به
کسانی که در مقابل
دولت برای پیشبرد
یک هدف خاص قرار
دارند می‌دهد تا بدون
ترس از دامن گیر شدن
قانون و یا تصمیم نهاد
حاکمیتی پروژه مورد
نظر خود را پیش ببرند**



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

دو اتفاق متوالی در هفته‌های گذشته و صدور دستور نهایی از سوی رئیس‌جمهوری برای به سرانجام رساندن ماجرا، نگاه‌ها را به سمت «جایگاه مدیران میانی، وزرا و قانون در اجرای یک تصمیم چیست؟» برد. در ماجرای احداث پتروشیمی در میانکاله، این‌ن نه دستور رئیس‌سازمان محیط زیست که دستور رئیس‌جمهور بود که بیش از همه برای توقف احداث آن اهمیت پیدا کرد، حال آنکه براساس قانون، سازمان محیط زیست به عنوان ضابط دادگستری در جایگاه اعلام‌کنندگان جرم قرار می‌گیرد و نه شاکا. در موضوع فستیوال کوچه نیز نامه‌نگاری وزارت ارشاد برای برگزاری این فستیوال کارگر نیفتاد و با دستور رئیس‌جمهور مجوز برگزاری فستیوال صادر شد. تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی از آن دست



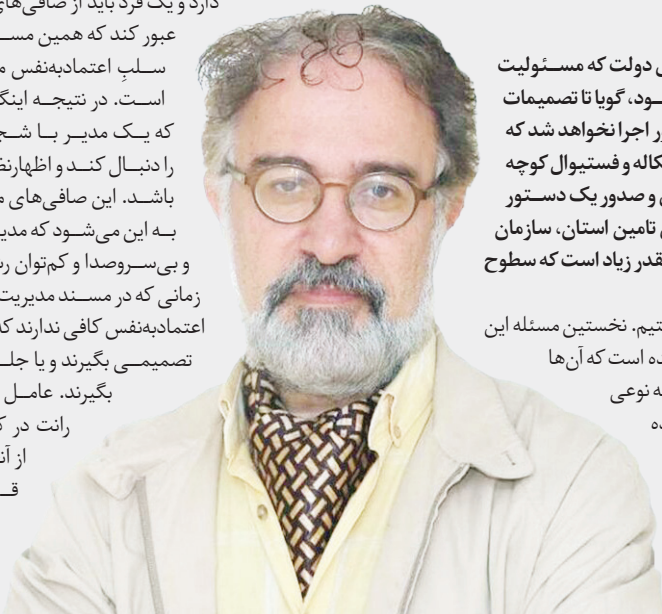
کیومرث اشتریان استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران:

نهادهای متکثر در حال از بین بردن قدرت دولت هستند

رانت سیاسی گره خورده است؛ در این شرایط مشکلاتی در مدیریت پیش آمده و باز هم مدیر است که در این جریان درهم‌تنیده گیر می‌کند و نمی‌تواند کاری انجام دهد. در همین راستا، نارسایی مالی مدیران موضوع دیگری است که باید به آن اشاره کرد و این موضوع در گسترش فساد تأثیرگذار است. حقوق مدیر دولتی نسبت به بخش خصوصی چندان بالا نیست و مدیر قدرتمند اصلاً وارد بدنه دولتی نمی‌شود و کسی هم که قدرتمند باشد به این دلیل که با این رقم‌ها نمی‌تواند از پس زندگی بربیاید احتمالاً وارد چرخه فساد خواهد شد. البته که مدیران و کارمندان شریف بسیاری هم داریم اما جایی که عمل رانتی انجام می‌شود، مدیر فاسد که احتمالاً در اقلیت هم باشند همه‌کاره خواهند بود. علاوه بر سد اداری و سیاسی که اشاره کردم، یک سد فنی نیز در این موضوع دخالت دارد که باید به آن توجه کرد. زمانی که یک تصمیم از نظر فنی قرار است اجرا شود، شرطی بر آن حاکم است؛ از جمله اینکه مدیر نسبت به موضوع دغدغه داشته باشد و برایش مهم باشد، اما دغدغه به تنهایی کافی نیست و باید آگاهی هم داشته باشد و یا مشاوره قوی در کنارش داشته باشد و به موضوع مسلط باشد که منجر به تصمیم اجرایی خوب از سوی مدیر شود. مسئله دیگر این است که مدیر باید تیم هم‌فکر هم داشته باشد چراکه به تنهایی نمی‌شود کار کرد و باید ائتلاف و یا تیمی هم وجود داشته باشد که یک موضوع را در دولت پیش ببرند. بعد از دستگاه دولتی نیازمند ایجاد یک گفتمان اداری است و همه بخش‌ها باید یک گفتمان واحد داشته باشند که براساس آن برای نمونه در سازمان محیط زیست، مسئله محیط زیست برای آن‌ها مهم باشد و به این موضوع دغدغه‌مند باشند. در گام بعدی سازمان باید این گفتمان را

است و این موضوع یک ریشه تاریخی نیز دارد. در واقع اینگونه به نظر می‌رسد که ساختار ملوک‌الطوایفی قاجار به ساختار اداری ما نفوذ کرده است و سازمان‌ها زمانی که درگیر موضوعی واحد می‌شوند، این باعث می‌شود اختیارات از یک مدیر سلب شود و یا کم شود و عملاً مدیر دچار بی‌مسئولیتی مدیریتی می‌شود. معضل دوم درباره نوع گزینش مدیران است؛ گزینش‌های مدیریتی در ایران نظارت‌های متعددی دارد و یک فرد باید از صافی‌های گوناگونی عبور کند که همین مسئله منجر به سلب اعتمادبه‌نفس مدیران شده است. در نتیجه اینگونه نیست که یک مدیر با شجاعت کاری را دنبال کند و اظهارنظر داشته باشد. این صافی‌های متعدد منجر به این می‌شود که مدیران ساکت و بی‌سروصدا و کم‌توان رشد کنند و زمانی که در مسند مدیریت قرار بگیرند اعتمادبه‌نفس کافی ندارند که با شجاعت تصمیمی بگیرند و یا جلوی کاری را بگیرند. عامل دیگر قدرت رانت در کشور است.

از آنجایی که قدرت رانت اقتصادی به قدرت



کیومرث اشتریان استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است تکثر در ایجاد نهادهای موازی، گزینش‌های پیچیده و با نظارت‌های متعدد، ناترازی حقوق مدیران بخش خصوصی و دولتی و دغدغه و آگاهی مدیر نسبت به موضوعات موادی هستند که در کارشکنی و یا عدم کارشکنی نسبت به تصمیمات مدیریتی اثرگذار هستند. این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

در ایران اگر اقدامی بخواهد از سوی دولت که مسئولیت امور اجرایی را برعهده دارد انجام شود، گویا تا تصمیمات به تأیید سطوح بالاتر نرسد، آن دستور اجرا نخواهد شد که نمونه‌اش را در موضوع پتروشیمی میانکاله و فستیوال کوچه دیدیم. چرا در مواردی که تصمیم‌گیری و صدور یک دستور بر عهده یک نهاد است، مثل شورای تأمین استان، سازمان محیط زیست یا وزارتخانه، کارشکنی آنقدر زیاد است که سطوح بالاتر باید ورود کنند؟

ما در کشور با چند مشکل اساسی روبه‌رو هستیم. نخستین مسئله این است که در کشور نهادهای متکثری ایجاد شده است که آن‌ها در موضوع واحدی دخیل هستند و این مسئله نوعی آشفتگی نهادی-سازمانی در کشور پدید آورده است. طبیعتاً در سیاستگذاری، موضوعاتی وجود دارد که دستگاه‌های مختلف در آن دخالت دارند اما ساختار اداری در کشور ما آشفتگی نهادی-سازمانی پدید آورده